شبکه کمک

دو هفته نامه داخلی

اول اسفند ۱۴۰۱ – شماره هفت

شبکه‌های ملی و تخصصی سازمان‌های غیردولتی



زلزله خوی در سرمای سرمایه اجتماعی

هرچه اخبار گزارشات چگونگی مهار بحران ناشی از زلزله خوی را بررسی می کنیم قانع نمی شویم که اقدام در خور این بحران در منطقه به انجام رسیده باشد. در یک مدیریت ناشیانه شاهد صف های مردم در بوران و برف در مقابل مراکز ارائه خدمات انسان را شگفت زده می نماید. البته آنقدر که باید برای سرمازدگی سرمایه اجتماعی کشور نگران باشیم نمی توانیم نگران سرمای هوا در خوی باشیم. این سرما با وسایل گرمایشی و سرپناه قابل تحمل می شود، اما سرما زدگی سرمایه اجتماعی در سایه حکمرانی خوب و متعالی میسر است که هنوز اراده ای برای آن دیده نمی شود.

ادامه مطلب در صفحه ۲



به امید دولت شنونده و جامعه توانمند

مقصود فراستخواه

نشست تأملی در آثار و پیامدهای اعتراضات جاری که در تاریخ پنجشنبه ده آذر ۱۴۰۱ در محل موسسه معین با مدیریت استاد مقصود فراستخواه برگزار گردید.مشروح نقطه نظرات این استاد جامعه شناسی را در این شماره نشریه تقدیم خوانندگان می‌شود.

صفحه ۵ الی ۸



شبکه کمک به سهم خود مراتب **تسلیت و همدردی** این شبکه را با مردم ترکیه و سوریه اعلام می نماید. تصویر آوار این دو زلزله با شدت هفت و نیم و و هفت و شش دهم ریشتر از اولین لحظات وقوع خبر از کشته و زخمی شدن هزاران نفر می داد. آوار سنگین مصالح ساختمانی این زلزله در مسیر گسل نشان دهنده این امر است که ترکیه نیز از عدم اجرای برنامه های پیشگیری از عوارض زلزله در رنج است.سوریه که سالهاست مردم آن از،جنگ رنج می برند اساسا شرایط فکر دراین حوزه ها را نداشته است. به نظر می رسد در خاورمیانه کشورها هنوز برنامه جامعی برای کاهش مخاطرات زلزله ندارند.مهار بحران زلزله در ترکیه و سوریه بدون کمک های بین المللی میسر نیست .

این دو زلزله زنگ هشداری برای دولت ایران است. در صورت ادامه تعلل در جدی نگرفتن مخاطره زندگی ایرانیان بر روی گسل های زلزله نتایج فاجعه باری را شاهد خواهیم بود. کوچکترین نمونه این عدم جدیت هزاران ساختمان عمومی نا ایمن در تهران است که بی تابی محتمل زمین جان هزاران شهروند را به مخاطره می افکند.

گزارش میدانی شبکه کمک از زلزله خوی



مطالعه این گزارش می تواند، به درک شرایط زلزله زدگان کمک نماید.در این گزارش از اثر روانی شدید زلزله فاجعه بار ترکیه و سوریه نیز بر اذهان زلزله زدگان نیز مطلع می شویم.

گزارش دکتر محمد ایران منش :

بنظرم یکی از پیچیده ترین معضلات منطقه سانحه دیده، رعب و وحشتی است که مردم از احتمال وقوع زلزله ای

ادامه مطلب در صفحه ۳

شبکه کمک

دو هفته نامه داخلی

اول اسفند ۱۴۰۱ – شماره ۷

زلزله خوی در سرمای سرمایه اجتماعی

ادامه مطلب صفحه ۱

متاسفانه در قانون مدیریت بحران که در مجلس به تصویب رسید به نقش و جایگاه تشکل های مردمی در بحران توجه نشد و بعد از تصویب قانون تلاش شد با نوشتن آئین نامه جبران این مافات شود که هنوز محقق نگردیده است. از سوی دیگر وزاری کشور با خیال راحت از غلاف شدن اهرم استیضاح نمایندگان مجلس نگرانی در رابطه با پاسخگویی ندارند و نظارت مردمی تشکل های اجتماعی هم با موانع متعدد روبرو است. بر اساس اخبار رسمی بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر در گیر عواقب زلزله خوی شده و دولت بی نیازی خود را از کمک کشور های خارجی اعلام نموده است .

دیدن صف های انتظار مردم خوی در سرما برای دریافت کمک های اولیه، این واقعیت را به ذهن هر ببیننده ای متبادر می کند که آیا اساسا هیچ محل سرپوشیده امنی برای پاسخگویی به مردم در خوی وجود ندارد؟ مساجد،



مدارس، استادیوم سرپوشیده و حتی سوله ها می تواند در خدمت چنین اجتماعاتی قرار گیرد .

اما به نظر می رسد این انتظار در هوای سرد مقابل در مراکز امدادی برای مدیران اداره بحران اهمیتی نداشته است .

ابعاد این زلزله در مقایسه با ظرفیت های ستاد بحران کشور بسیار کوچک است و بی تردید در سایه جلب مشارکت مردم با سرعت امکان کمک رسانی به مردم میسر می گردد. آنچه انرژی مشارکت مردم در این نوع شرایط را تامین می کند، سرمایه اجتماعی دولت است که متاسفانه در سایه اعتراضات اخیر به شدت کاهش پیدا کرده است. متاسفانه مسئولین دولتی تلاشی برای احیای آن نه تنها انجام نمی‌دهند بلکه صحنه‌هایی را رقم می زنند که هر فردی که اندکی با مدیریت بحران آشنا باشد متوجه می شود که این صحنه ها و شیوه پاسخگویی به مردم بیشتر ابهام آفرین است تا اینکه پاسخگویی را به افکار عمومی متبادر کند. اگر شخصیتی از نظام که این ظرفیت را دارد که در جلسه سران سه قوه می نشیند آشکار از عدم کمک شایسته به مردم سخن می گوید و این نقد در بین جامعه منتشر می شود انصافا باید منتظر چه باشیم؟ عزل مسئولانی که گزارش غیر واقعی ارائه داده اند؟ یا حداقل باید منتظر اتخاذ روش های جدید برای اداره این بحران باشیم؟

مدیریت بحران های طبیعی و غیر طبیعی در سایه سیاستگذاری مشارکتی بعلاوه ایجاد شور کمک در هموطنان محقق گردد. مادامی‌که مردم به صورت انتخابی در صحنه بحران اجازه ورود دارند عملا شاهد عدم موفقیت هدف گذاری های مدیریت بحران کشور خواهیم بود. دولت باید در درجه اول شجاعانه گزارش مخبر خود را بپذیرد و در سایه این اظهار نظرکوتاه ولی واقعی و تلخ تغییر سیاستگذاری را دستور دهد و تلاش نمایند مردم شریف خوی بتوانند این تغییر را در منطقه لمس کنند. سیاستگذاری مشارکتی در اداره بحران مختصاتی دارد :



۱ - کلید اصلی جلب اعتماد مردم این است که مردم آسیب دیده به صورت شفاف در جریان نوع و مقدار کمک ها قرار گیرند .

۲- نمایندگان متشکل مردم که پایه ای ترین ساختار آن سازمان های مردم نهاد است بر کمک رسانی ها نظارت نمایند. ارائه گزارش های مردمی از کمک و امداد می تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک نماید .

۳- امکان مشارکت کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی برای کمک به زلزله زدگان فراهم گردد. اینکه دولت می خواهد برجمع آوری کمک های مردمی توسط اشخاص حقوقی و حقیقی نظارت داشته باشد، فر آیند نظارتی دادستانی با میانجی گری هلال احمر یک تجربه موفق در زلزله کرمانشاه و سیل گلستان بود. این مجوز ها طی چند ساعت با صحت سنجی هلال احمر صادر می گردید.

۴ - مدیران بحران کشور به خوبی می دانند پس از اقدامات امداد و ایجاد ثبات نسبی در مناطق زلزله زده، اداره تبعات بعد از مهار اولیه از جمله آوار برداری ها، بازسازی، آموزش کودکان. مهار بحران های روانی و اساسا ترویج و اجرای مبانی که در مدیریت بحران با مفاهیم تاب آوری مترادف است به مشارکت مردم به خصوص سازمان های مردم نهاد نیازمند است. لذا باید بستر این مشارکت فراهم گردد.

دولت بدون باور به مشارکت سازمان یافته مردم قادر نیست هیچ بحران طبیعی و غیر طبیعی را به صورت اصولی مهار نماید و هر روز شاهد رنج بیشتر زلزله زدگان خواهیم بود.

شبکه کمک

دو هفته نامه داخلی

اول اسفند ماه ۱۴۰۱ – شماره ۷

گزارش میدانی ...

ادامه مطلب صفحه ۱

متاسفانه آقای برهمن که در زلزله کرمانشاه نیز دست به پیش بینی های غیرعلمی می زد و باعث وحشت مردم شده بود، این بار بر زمینه زلزله ترکیه، موجب وحشت بیشتر در مردم اینجا شده است.

برخی می گویند که بسیاری از مردم خوی از شهر فرار کرده اند و عده ای نیز که معمولا توان خارج شدن را نداشته، از خانه های خود بیرون آمده و در چادرهای هلال و سفری بسر می برند. این پدیده را من در هیچ زلزله دیگر ندیده ام. طبق پیش بینی آقای برهمن، قراره ۲۷ و ۲۸ بهمن زلزله ای رخ دهد و مردم با ترس زیاد منتظر آن روزها هستند. بنظر می رسد که شهر از انواع کالا اشباع شده، ولی ظاهرا هنوز عده ای بخاری برقی ندارند. همچنین سیم کشی چادرهای منفرد و یا کمپ هایی را که هلال دایر نکرده، غیر استانداردند و شدیدا بیم بروز اتصالی و آتش سوزی می رود. بنابراین یکی از اقلام بشدت مورد نیاز، کابل های مناسب است. همچنین برای عایق بندی کف برخی چادرها، نیاز به فوم ۵ سانت یا پالت چوبی است.



اهم نارسایی های در کمک رسانی های مرحله اول عبارتند از:

۱ - نبود یک سامانه جامع اطلاع رسانی که بتوان به آمار های لازم در مورد مناطق آسیب دیده، میزان تخریب، وضعیت کمک رسانی ها، شرایط مردم، میزان وام های دولتی و....

۲ - بی توجهی و کم توجهی به روش های تسهیلگری و متاسفانه بروز و تشدید روحیه تکدی گری؛

۳ - موازی کاری های بسیار در پخش ارزاق و اقلام؛

۴ -کم توجهی به مراحل مهم بعدی یعنی بازسازی و باز توانی (اگرچه وام هایی برای اجاره، مقاوم سازی و بازسازی تعیین شده است.)

همچنین بسیاری از گروه های کمک رسانی در اثر موازی کاری ها و عدم تعیین درست اولویت ها، احتمالا تمامی منابع در اختیار را در این دوره امداد تمام خواهند کرد!

۵ - چادرهای هلال بسیار قدیمی و غیرمناسب برای اسکان اضطراری اند تا چه رسد برای اسکان موقت!

بطورکلی تمرکز بیش از حد بر اقدامات سخت افزاری و کم توجهی زیاد به اقدامات نرم افزاری کاملا آشکار است! (بیست و یکم بهمن ۱۴۰۱)



هشتم اسفندماه ۱۴۰۱

از هم اکنون به استقبال روز جهانی سازمان های مردم نهاد برویم

۲۷ فوریه مصادف با ۸ اسفند ماه

روز جهانی سازمان های مردم نهاد

فرصتی برای:

انتشار گزارش عملکرد سازمان های مردم برای عموم مردم و دعوت آنها به عضویت در این سازمان ها

انتشار گزارش نمایندگان سازمان های مردم نهاد در شورای ملی توسعه و حمایت از تشکل های مردمی و تشکیلات نظیر در استانهای کشور

انتشار گزارش عملکرد رئیس سازمان امور اجتماعی کشور

انتشار گزارش نماینده سازمان های مردم نهاد در شورای عالی اجتماعی کشور

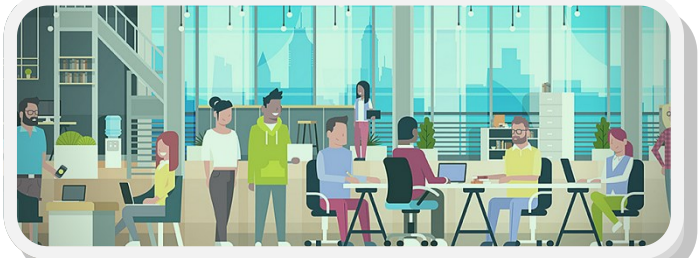
برگزاری نشست های سازمان های مردم نهاد در گرامی داشت این روز و تبادل تجارب

ارائه گزارش ویژه از چگونگی کمک به هموطنان زلزله زده در خوی

و از همه مهمتر برای:

اطلاع رسانی نقش سازمان های مردم نهاد در توسعه اجتماعی کشور و افزایش نقش مردم در فرآیند های تصمیم سازی، تصمیم گیری و نظارت بر فعالیت سازمان های دولتی

از هم اکنون با ارائه برنامه به استقبال این روز جهانی برویم.



دسترس پذیری ضرورتی اجتماعی یا اصطلاحی در ادبیات برنامه های توسعه

نویسنده: رضا سخن سنج



چندی قبل مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران خواستار آن شده بود در تدوین برنامه چهارم توسعه شهر تهران به مسأله محور بودن موضوعاتی از جمله: حمل و نقل، ترافیک، بافت فرسوده، مشکلات فرهنگی و اجتماعی، هوشمندسازی و اقتصاد شهری توجه شود و تأکید کرد این برنامه به‌جای یک برنامه ایده‌آل باید به یک برنامه عملیاتی تبدیل شود.

از سوی دیگر علیرضا زکانی شهردار تهران هم‌زمان با تقدیم برنامه چهارم توسعه به شورای اسلامی، گفت: این برنامه براساس سیاست‌های ابلاغی شورای شهر تهران تنظیم شده و همچنین به ۶ محور خدمات شهری، حمل و نقل عمومی، ایمنی و مدیریت بحران، شهرسازی و معماری، توسعه مدیریت و هوشمندسازی و اجتماعی و فرهنگی توجه شده است.

وی مدت اجرای برنامه را ۴سال اعلام کرد و گفت: در برنامه چهارم از ۳۷۸ حکم برنامه سوم، برای ۲۶۱ حکم هدف‌گذاری کردیم تا با اولویت حمل و نقل عمومی، هوشمندسازی و ارتقای فرهنگ را اجرا کنیم. این مقدمه در مراحل تهیه و تدوین برنامه جامع کلان شهر تهران علتی شد تا موضوع دسترس‌پذیر و دسترسی به امکانات شهری را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. «دسترس پذیری» در لغت به معنای میزان سهولت و دستیابی کاربران یک سامانه یا ابزار اطلاق می‌شود، هر چه تعداد استفاده‌کنندگان بیشتر باشد دسترس‌پذیر آن بهتر خواهد بود و البته دسترس‌پذیری یکی از اصول هشتگانه کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت است که از سوی سازمان ملل متحد تأکید شده است و به ۳ گروه اصلی دسترسی فیزیکی، دسترسی به خدمات و دسترسی به ارتباطات و اطلاعات تفکیک می‌شود. همچنین در ماده ۱۳ همان مرجع به منظور ایفای نقش مؤثر افراد دارای معلولیت و دسترسی به عدالت کیفری مؤثر، دولت‌های عضو موظف شده‌اند،



آموزش های مناسب برای کسانی که در زمینه اجرای عدالت نظیر: مأموران پلیس و کارکنان زندان‌ها ارایه دهند.

در اسناد توسعه شهر تهران نخستین بار در سال ۱۳۸۸ و برنامه ۵ ساله اول، شهرداری موظف شد به منظور تأمین امنیت و سلامت شهروندان با اولویت حرکت جانبازان، معلولین و سالمندان، برنامه اجرایی مشخصی را در خصوص ساماندهی شبکه‌های دسترسی مناسب، حرکت پیاده برای تردد آرام و ایمن در محلات، تهیه نماید.

در برنامه دوم توسعه (۱۳۹۷-۱۳۹۳) شهرداری ارتقا کیفیت و کارآرایی محیط های شهری را از طریق بهینه نمودن سیستم حمل و نقل، روان‌سازی و ایمن‌سازی معابر عابران، معلولان و سالمندان را اولویت قرارداد و در برنامه سوم توسعه شهر تهران (۱۴۰۲-۱۳۹۸) تهیه برنامه جامع عملیاتی اماکن، معابر، فضاهای عمومی، ایستگاه های حمل و نقل درون شهری، رعایت ضوابط مناسب‌سازی افراد دارای معلولیت در فرایند صدور پروانه و گواهی ساختمانی، کنترل ساختمان های جدید الاحداث نهادهای عمومی، تهیه نقشه راهنمای مکان‌های مناسب‌سازی شده به شهرداری محول شد.

صرف نظر از سیر مراحل تکوین مبحث دسترس‌پذیری که رد پای آن در ۳ برنامه توسعه شهر تهران مشاهده می‌شود و نیز ستادهای هماهنگی و پیگیری مناسب سازی کشور که از ترکیب ۱۳ عضو حقیقی و حقوقی زیر نظر وزیر کشور در قانون «حمایت از حقوق معلولان» پیش‌بینی شده‌است. باید بدانیم که ساختارهای موازی دولتی و شبهه دولتی نظیر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها یا شهرداری‌ها تا زمانی که در پیوند ارگانیک و ساختارمند با بدنه مخاطبان و ذینفعان اصلی قرار نگیرند، هرگز قادر به درک نیازهای جامعه هدف و حل مشکلات آنها نخواهند شد.

امروزه اکثر کشورهای برخوردار برای تعریف و تدوین برنامه های عملیاتی عمرانی و اجتماعی از نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد واسط که بر آن حوزه و جامعه هدف تمرکز دارند، کمک می گیرند و این همکاری مشترک موجب شناسایی تنگناها و گلوگاه های مهم مبتنی بر خواست کاربران و استفاده‌کنندگان می‌انجامد.

ادامه مطلب در صفحه ۹

به امید دولت شنونده و جامعه توانمند



مقصود فراستخواه

مقدمه

جنبش اعتراضی ۱۴۰۱ قابل فروکاسته شدن به خیزشی یکسره سیاسی نیست. این جنبش که از لحظه مهسایی برخاست و چندماهه شد، البته که سویه‌های سیاسی چشمگیری داشت و دارد، اما در پسِ پشت او، نشانه‌شناسی یک پوست‌اندازی بزرگ اجتماعی در جامعه ایران هست. یک رنسانس اجتماعی و فرهنگی در ایران آغاز شده است که از یک منظر می‌خواهد طرح ناتمام ایرانی را تمام بکند و رنسانس ناتمام ایرانی را آشکار بسازد.

ما شاهد تحولی دوره‌ای و یک نقطه عطف مهم در پویایی‌شناسی جامعه ایران هستیم. این‌جانب در جایگاه یک مطالعه‌کننده کوچک، طی یک دهه گذشته بارها از جِرم بحرانی در ایران بحث کردم و اینکه چگونه تغییراتی واقعی در متن جامعه ایران روی داده؛ و چون ساختار رسمی نمی‌تواند آن را به‌خوبی بفهمد و با آن رفتار صحیح داشته باشد به یک توده بحرانی تبدیل شده است.

اکنون خیلی مختصر می‌کوشم با یک تشبیه، این موضوع را توضیح بدهم، هرچند نیز تمثیلی نارسا خواهد شد. فرزندان یک خانواده را در نظر بگیرید که تبارِ نیاکانی خوبی دارند، اما اکنون پدر و مادرشان بلد نیستند با آن‌ها به شایستگی رفتار کنند؛ محیطی پرمشاجره و الگوهای اقتدارگرا و کنترلی. دست‌کم چهار مرحله طی می‌شود: مرحله نخست خزانه خاطرات بچه‌هاست، پیشرفت هم‌آلان خود را در همسایگان و مدرسه و فامیل و محله می‌بینند؛ مرحله دوم رشد بدنی و ذهنی آن‌هاست و تغییرات هورمونی و بحران بلوغ و مابقی قضایا؛ مرحله سوم تغییرات محیط رشدشان است که این فرایند بحرانی را تشدید می‌کند؛ مرحله چهارم، جرّ و بحث‌ها بین فرزندان و والدین شدت می‌گیرد، اتفاقات و تجربه‌هایی روی می‌دهد، فرزندان قهر می‌کنند، پرخاشگر می‌شوند و به فکر ترک خانه می‌افتند و این آخر قضیه است.

چهار مرحله فوق را در جامعه ایران خیلی مختصر ذکر می‌کنم:

نخست. جامعه‌ای داریم با خاطرات تمدنی، حافظه فرهنگی و ناخودآگاه عمیق اجتماعی. فردوسی و خیام و ابوریحان و زکریای رازی و مولانا و حافظ و اقلیم‌های حضور. به همین دلیل ایرانیان می‌خواهند رؤیایی در سر بپرورانند و سطح انتظارشان بالاست؛

دوم. تغییر در خصیصه‌های جمعیتی مثل سواد و تحصیلات دانشگاهی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، دگرگونی‌های نسلی و ظهور گروه‌های جدید اجتماعی مثل جوانان وزنان و طبقات متوسط جدید فرهنگی؛

سوم. تغییرات محیط ملی و بین‌الملل، دنیای به‌شدت جهانی شده و رقابتی شده و رسانه‌ای شده که به انتظارات نسل‌ها و تحرک اجتماعی دامن می‌زنند و در این میان نقش دایاسپورای ایرانی نیز مهم است و روزبه‌روز افزایش نیز پیدا می‌کند؛

چهارم. رویدادهایی است که به شکاف میان سیستم رسمی با جهان زندگی جدید ایرانی دامن می‌زند و این را هم در ۸۸، هم در ۹۶ و ۹۸ می‌دیدیم و بحث می‌کردیم تا رسیدیم به یک رویداد مهم دیگر که لحظه مهسایی بود. جنبش اعتراضی از اینجا آغاز شد و نباید آن را به سطح سیاسی‌اش فروکاست.

مردم تجربه‌ای تازه از سرگذراندند؛ در عرصه‌های متنوعی از ابعاد بزرگ مجتمعات سکونتی، محله‌ها، خیابان‌ها، شهرها و شبکه‌های اجتماعی. در همین دورهٔ بسیار فشرده تابستان و پاییز ۱۴۰۱ که به زمستان نیز منتقل شده، درکی تازه از خود و رابطه‌شان با دولت و با دنیا پیدا کرده‌اند؛ واجد یک خودانگاره هویتی جدید شده‌اند.



اکنون دست‌کم در بخش مهمی از جامعهٔ ایرانی، یک بیداری، یک حسّ فروخورده، افقی از انتظارات تازه، شکاف‌های از نو سربازکرده و بقیه قضایا وجود دارد. این است آن دگرگونی بزرگ پارادایمی و دوره‌ای که در ایران پسالحظه مهسایی اتفاق افتاده است و نباید به فرازوفرود سطح سیاسی فروکاسته شود. این یک نوع «رشد بی‌برگشت »است که اصلاوابدا امکان ندارد به ماقبل شهریور ۱۴۰۱ برگردد. ایران وارد دوره‌ای تازه از حیات اجتماعی شده است با گفتمانی دگرواره و رؤیاهای جدید.

امروز من هم به‌عنوان یک دانش‌آموز در این نشست هم‌اندیشی حضور دارم تا درک خودم را از جنبش اعتراضی جاری که از لحظهٔ مهسایی شروع شده است هم به اشتراک بگذارم و هم بهبود ببخشم. این یک دانش ملی و یک آگاهی ملی است که می‌تواند ذخیره شود و دوباره برگردد به خود جامعه برای استفاده در لحظه‌های بعدی. من خوشحالم که در خدمت اعضای محترم این نشست هم‌اندیشی و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف هستم.

ادامه مطلب در صفحه ۶

به امید دولت شنونده و ...

ادامه مطلب صفحه ۵

چهار سناریو برای ایران در آینده پسامهسا

به اعتراضات اخیر می‌توان از زوایای متفاوتی پرداخت. یکی از این زوایا، تحلیل بر اساس بزنگاه است. این یک تحلیل مومنتمی است. این حرکت از لحظه مهسایی شروع می‌شود. لحظه مهسایی همان لحظه‌ای است که بار همه خواسته‌های انباشته‌شده در جامعه ایران به‌خصوص در چند سال اخیر را با خود همراه می‌کند. این جنبش اعتراضی بار همه تنش‌های فشرده چند دهه ایران به‌ویژه سال‌های اخیر را با خود حمل می‌کرد. درواقع مجموعه تعارض‌های یک دورهٔ چند نسلی، با هم بر سر یک بزنگاه، اقتران ملتحم پیدا می‌کنند.

این حرکت به شکل محسوسی با جریان‌های شناخته‌شده متفاوت است، به حدی که به نظر می‌رسد می‌توان آن را با مفهوم »دگرجنبش «توصیف کرد. دگرجنبش در مقیاس مباحث هترولوژی قابل توضیح است. هترولوژی علمِ دیگرسان‌گی یا دگربودگی است. کسانی چون ژرژ باتای یا دوسرتو از آن بحث کرده‌اند و همین‌طور فوکو در *نظم اشیا* از دگرفضاها بحث کرده است. درواقع یک دگرجنبش را نمی‌توان فقط یک جنبش فمینیستی یا جنبش کارگری یا جنبش طبقه متوسط و سبک زندگی و جنبش قومی و مانند این‌ها نامید. اگر این تصور را بپذیریم و حرکت اعتراضی اخیر را دگرجنبش تلقی کنیم، باید آن را جنبشی به‌کلی متفاوت در نظر بگیریم که به نظر می‌رسد با شبکه‌ای از جنبش‌های هویتی جدید مواجهیم.

من دوازده جریان هویتی جدید را در ایران شبکه‌ای که اعتراض در آن روی داده است یادآوری می‌کنم. دکتر نعمت‌الله فاضلی در مطالبش به هشت جریان اشاره کرده است و این جریان را انتهای همه حرکت‌ها نامیده‌اند. در الگویی که من اینجا ارائه می‌کنم نیز شباهت‌هایی با آن الگو وجود دارد.

دوازده پویش هویتی در این جنبش اعتراضی

۱. جنبش جنسیتی: من معتقدم حرکت اخیر، یک حرکت تمام‌عیار زنانه است؛ یعنی یک زنانه‌اندیشی ایرانی و یک فمینیسم ایرانی تمام‌قد در این حرکت به‌خوبی دیده می‌شود.

۲. جنبش گسست نسلی: این حرکت را می‌توان جنبش کودکان و جوانان و دهه هشتادی هم نامید.

۳. جنبش الگوی سبک زندگی: مردم می‌خواهند سبک زندگی متفاوتی را تجربه کنند. به دنبال مصرف پست‌مدرن هستند. (مصرف پست‌مدرن با مصرف سنتی پیشامدرن تفاوت ماهوی دارد. مردم این دوره و زمانه می‌خواهند از طریق مصرف، به حیات خود معنا ببخشند. مک کراکن و دیگران در این زمینه بحث کرده‌اند. .



مصرف‌کنندهٔ قدیمی منفعل، جای خود را به مصرف‌کنندگانی می‌دهد که می‌خواهند به آثار و کالاها معنا بدهند. مصرف فرهنگی مهم شده است و زمان فراغت از این منظر نیز موضوعیت می‌یابد.

۴-جنبش آزادی‌خواهی: در ادامه حرکت‌های کلاسیک معاصر در ایران که مشارکت جدی می‌خواهد و ندارد و مطالبه حقوق بشری دارد.

۵. جنبش عدالت‌خواهی: که از آنِ طبقات تهی‌دست است. کارگران و حاشیه‌نشین‌ها. این افراد در این حرکت در شبکه جریان‌های مؤثر به نظر می‌رسد اثرگذاری زیادی دارند.

۶. جنبش دانشجویی: به نظر می‌رسد این حرکت تا حدی نیز حرکت نابهنگامی است.

۷. جنبش تمایز جویی‌های قومی، آئینی، زبانی و... که در این جریان شاهد بروز آن بودیم.

۸. جنبش دیاسپورایی (ایرانیان خارج از کشور) که انباشه شده و به یک هویت پویای ایرانی تبدیل شده‌اند و این خود خوشه‌ای از حرکت محلی-جهانی‌گرایی است. این یک جنبش محلی و درعین‌حال جهانی است.

۹. جنبش اختیارات: مطالبه اختیارات محلی در جای‌جای سرزمینمان.

۱۰. جنبش دگرگشت‌های ارزشی جامعه: ارزش‌های فردگرایانه، لذت‌طلبانه، نوعمل‌گرایی، غیرنخبه‌ای، زیباشناختی، تخیل جمعی، اقتضاگرا و رؤیاپردازی را می‌توان در زیر این حرکت تعریف کرد.

۱۱. حرکت هویت‌های حرفه‌ای-صنفی: هویت‌هایی مثل هویت‌های آکادمیک، کارگری، معلمان، بازنشستگان. افرادی که احساس می‌کنند نادیده گرفته شده‌اند.

۱۲. جنبش سکولار و عرف‌گرایی و دین‌جدایی در ایران و در ادامه‌اش جنبش نوپدید پساسکولار و پسااسلام‌گرایی. به‌خصوص وقتی نهاد دین در قدرت قرار گرفته است، حرکت سکولار در مقابل آن شکل می‌گیرد.

ادامه مطلب در صفحه ۷

به امید دولت شنونده و ...

ادامه مطلب صفحه ۶

نیروهای جنبش اعتراضی

در ادامه بحث، می‌توان مؤلفه‌های این جریان را بررسی کرد. اولین مؤلفه نیروهاست. به نظر می‌رسد نیروهای جنبش عبارت است از تمام دیگری‌شده‌ها، نادیده‌گرفته‌شده‌ها، تمام تحقیرشده‌ها، فراموش‌شدگان، غایبان، محذوفین، حاشیه‌ها، بازندگان به‌ناحق در بازی‌های مسلط که طی چند دهه خیلی هم زیاد بوده‌اند، تمام هویت‌های فروخورده و هویت‌زدایی شده، تحت فیلترینگ‌ها، ابژه شده‌های نسلی، بی‌روسری‌ها و بقیه از نیروهای این حرکت جدید هستند**رسانه جنبش اعتراضی**

می‌توان رسانه را شبکه‌های « موبایلی-پلاس » نامید. ما در ایران یک شبکه موبایلی داریم که وقتی با شبکه‌های ماهواره‌ای ادغام می‌شود، یک شبکه رسانه‌ای ایجاد می‌کند که آن را شبکه موبایلی-پلاس می‌نامم. عملکرد رسانه‌ای‌اش اینفلوئنسری است که قدرت بازنمایی و روایت‌سازی نیرومندی دارد. در اینجا کنشگران رسانه‌ای پساجدید که به آن‌ها در مباحث «SMIs» گفته می‌شود بر مدیران رسمی رسانه‌ها در ایران یعنی «CMIs» فائق می‌آیند. در دنیا تعبیری درباره این روند وجود دارد که گفته می‌شود جنگ میان SMIs با CMIs یا درواقع جنگ بین اینفلوئنسرها و آفیسرها است که البته اینفلوئنسرها برنده شدند. این برنده شدن در تاریخ سیاسی ایران قبلاً هم اتفاق افتاده و امر بی‌سابقه‌ای نیست. همان‌طور که انقلاب مشروطه را می‌توان انقلاب تلگراف‌ها نامید یا انقلاب ۵۷ انقلاب نوار کاست‌ها بود که مقابل رادیو و تلویزیون رسمی مبارزه می‌کرد.

مکان اجتماعی جنبش اعتراضی

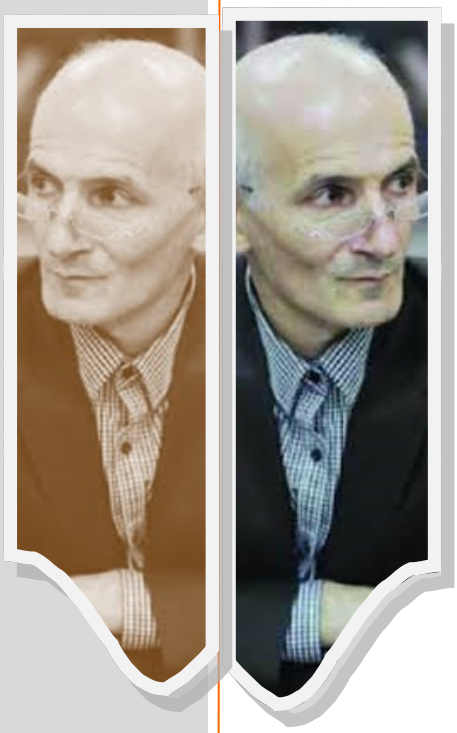
مکان این حرکت از خیابان شروع می‌شود تا درون خودروها که با بوق‌زدن‌ها همراهی می‌کردند، از منازل و پشت‌بام‌ها تا شهرک‌ها و مکان‌های کار و تحصیل مثل مدرسه و دانشگاه و اعتصابات و بالاخره از شهرهای کشورمان تا شهرهای آمریکا و کانادا و اروپا و حتی به نهادهای بین‌المللی رسید که همین ویژگی و وسیع بودن این حرکت، باز آن را نسبت به حرکت‌های قبلی به‌کلی متمایز کرده است و شاید در هیچ کجای دنیا به این صورت دیده نشده باشد. برای همین نیز شاید بتوان مکان این جنبش را نیز «دگرمکان» و «دگرجا» نامید.

منطق فعال‌بودگیِ جنبش اعتراضی

منطق فعال‌شدگی و منطق عملکردی جنبش، منطقی نقطه‌چینی و غیرخطی است. یک نوع منطق نقطه‌چینی یا پانکچویت در آن وجود دارد و به‌صورت حرکات سینوسی و حلزونی و غیرخطی و نامنظم حرکت می‌کند. یکی از خصیصه‌های این حرکت، این است که در ایران حامل یک چرخش پارادایمی و یک گسست دورانی است. ما اینجا به پنجمین مؤلفه این جریان می‌رسیم.

چرخش پارادایمی و گفتمانی

این ویژگی جنبش خیلی مهم است، چون قرین یک رشد بی‌برگشت تمام‌عیار در ایران و قرین یک تخیل جمعی تازه در ایرانیان است، چون در زیرپوست خود پیوندی دارد با تحولی در ایران که بر بستر یک پارادایم‌شیفت پدید آمده است. تحول اجتماعی چیزی فراتر از تغییر اجتماعی است و آن را تنها با ارتفاع از جامعه‌مان و تماشای فضایی‌تر به این جامعه می‌توان فهمید، چون با دگرگون‌های ساختی-کارکردی بیشتری همراه است و حاصل انباشت‌یافته‌ای از اعمال عاملان اجتماعی در طول یک دوره است. مثلاً در طی این جنبش اعتراضی تخیل جمعی تازه‌ای در مردمان به وجود می‌آید. سطوح تازه‌ای از بازنمایی مثل بازنمایی بدن، زن، جوان، کودک و سرزمین در حال ظهور است.



ما در این حرکت با سطوح تازه‌ای از بازنمایی مواجهیم. امروز بازنمایی ما از بچه‌ها و از همسران و همشهریان عوض شده است و درباره آن‌ها یک شکل دیگر صحبت می‌کنیم. به نظرم زن‌ها زن‌تر شده‌اند. حالا امروز با سطوح تازه‌ای از سطح آرزومندی ایرانیان مواجهیم. امروز افقی دیگر از انتظارت مثلاً از بخش عمومی، از مدیریت شهری و... به وجود آمده است. مردم از انتخابات‌های آتی انتظارات بیشتری خواهند داشت. مقیاس تازه‌ای از شهامت اجتماعی و جرئت و دلیری در میان مردم ایجاد شده است. در این حرکت مردم نوعی انتظار موفقیت ایجاد شده است. نوعی اثر بلوغ و خودآگاهی مدنی و اجتماعی،...

ادامه مطلب در صفحه ۸

به امید دولت شنونده و ...

ادامه مطلب صفحه ۷

نوعی مهارت‌های پیشرفته شهروندی در مردم درست‌شده، نوعی عادت‌واره‌های تازه‌کثرت‌پذیری برای گفت‌وگو رشد کرده است. نوعی مهارت‌های ویژه شهروندی در مردم دیده می‌شود. تَرک‌های تازه‌ای در زمینه مشروعیت پدید می‌آید. هماهنگی بین شهرهای مختلف دیده می‌شود. خصیصه اعتراضی در ایران فعال شده است که البته در فرهنگ ایران قبلاً هم وجود داشته است و قبلاً درباره بارها بحث کرده‌ام. ائتلاف‌پذیری تازه‌ای در جامعه شکل می‌گیرد، مثلاً در بین نیروها یا بین داخل و خارج این ائتلاف دیده می‌شود. مقیاس تازه‌ای از همگرایی بین‌شهری و سرزمینی دیده می‌شود. ما در این حرکت شاهد فعال شدن هویت‌های کوچک و اعتمادبه‌نفس ملی، قومی و مدنی و هستیم و ذخایر آگاهی‌ها و مهارت‌های بخش میانی جامعه به معنای گیدنزی کلمه فعال شده است.

آینده اعتراضات

در آینده‌پژوهی چند مفهوم کلیدی هست که چون وقت نیست به‌صورت خلاصه به آن می‌پردازم. یکی روندهایی است که دیگر آن‌قدر بزرگ می‌شود که به آن »کلان‌روند «گفته می‌شود (megatrend) . درواقع این حرکت را می‌توان نشانه‌ای از یک کلان‌روند نامید. وقتی یک کلان‌روند در جامعه ایجاد می‌شود، با خود پیشرانه‌هایی (force driving) به وجود می‌آورد. یکسری مسائل جامعه ما را به سمت آینده پرتاب می‌کند.



یک متغیر دیگر رویدادهاست. درواقع وقتی یک جامعه می‌خواهد از لحظه حال بکند و به آینده پرتاب بشود وقایع و رویدادها مهم می‌شوند، چون در حرکت سریع‌تر آن مؤثر هستند. درواقع لحظه مهسایی یک رویداد(event) بود که در حرکت روبه‌جلوی این جریان مؤثر بود. درواقع جامعه در حال حرکت بود که یک رویداد، به آن سرعت داد.

مفهوم بعدی عدم قطعیت است. رویدادها با پیشرانه‌ها، با هم مفهوم بعدی را به میان می‌آورند که همان عدم قطعیت است. برای جامعه این کلان‌روندها در کنار رویدادها جمع می‌شود و عدم قطعیت‌هایی برای جامعه ایجاد می‌کند. اگر ما بتوانیم عدم قطعیت‌های آینده را خوب تحلیل کنیم، می‌توانیم بر اساس ماتریس عدم قطعیت، چند آینده برای ایران ترسیم کنیم. من فقط برای نمونه و تقریب اذهان شما، بر اساس دو عدم قطعیت، چهار سناریو برای آینده ایران ترسیم می‌کنم و طبیعتاً با عدم قطعیت‌های دیگر، می‌توان سناریوهای دیگری را برای ایران ترسیم کرد. عدم قطعیت‌ها را نمی‌توان دل‌بخواهانه انتخاب کرد، روش و



درمتدولوژی و حتی نرم‌افزارهایی پیشرفته دارد. این مدل، دو عدم قطعیت مهم را بررسی می‌کنیم: یکی اینکه در دولت چه وضعی ممکن است پیش بیاید؟ منظور از دولت به معنای کلی آن است. اینجا این سؤال وجود دارد که دولت گفت‌وگو پذیر می‌شود یا نه؟ یعنی در یک ضلع نمودار به این پرداخته‌ایم که دولت گفت‌وگو پذیر است و در طرف دیگر دولت غیرّیت‌ساز و گفت‌وگوناپذیر. عدم قطعیت بعدی این است که در جامعه چه وضعی ممکن است پیش بیاید. یک‌سویه جامعه ایران این است که این جامعه توانمندسازی شده باشد و سازمان اجتماعی خودش را توسعه بدهد و قابلیت‌های مدنی و صنفی و سمنی و حرفه‌ای و محلی خود را توسعه ببخشد و امر اجتماعی را تقویت کند و در نقطه مقابل آن، جامعه‌ای قرار دارد که توده‌وار یا ذره‌وار باشد. بر این اساس چهار سناریو محتمل می‌شود:

یک. اگر دولت گفت‌وگوپذیر باشد و جامعه توانمندسازی‌شده باشد، این جنبش می‌تواند ایران را در جهت تحول و توسعه و پایداری جامعه ایرانی پیش ببرد و این برای کشور یک فرصت بزرگ و خیلی سرنوشت‌ساز می‌شود.

دو. اگر دولت گفت‌وگوپذیر نباشد و همچنان غیریت‌سازی بکند و جامعه هم توانمندسازی نشود، خدای‌نکرده ایران به سمت یک وضعیت شبه‌اردوگاهی و بی‌ثباتی و ناامنی پرتاب می‌شود.

سه. اگر دولت گفت‌وگو پذیر نباشد، اما جامعه توانمندسازی‌شده باشد، حلقه‌های بعدی جنبش‌های اعتراضی با بلوغ بیشتر خواهد بود و حرکت‌های اعتراضی ایران را پیش خواهند برد.

چهار. اگر دولت گفت‌وگوپذیر بشود، اما جامعه توده‌وار یا ذره وار بماند، ما با یکسری اصلاحات ضعیف بی‌نتیجه مواجه خواهیم بود و این گرهی از ما نمی‌گشاید.

بررسی آینده اعتراضات ۱۴۰۱
در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران

دسترس پذیری ضرورتی ...

ادامه مطلب صفحه ۴

شهرداری تهران در اقدامی ابتکاری سال های گذشته با راه‌اندازی کانون های معلولان مناطق ۲۲ گانه شهرداری نوید این حرکت را داده بود اما بعدها به جهت عدم تقسیم کار مؤثر و به‌کارگیری اعضا کانون‌ها در امور غیر اولویت‌دار، اغلب این تشکل‌ها بی‌اثر یا بی‌فروغ شدند.

امید است در آستانه بررسی و تصویب برنامه چهارم توسعه شهر تهران با درس گرفتن از تجارب گذشته و تقویت نقاط قوت در کنار کاهش عوامل تضعیف‌کننده، برنامه‌ای جامع و معنای واقعی کلمه و عملیاتی به تصویب برسد تا چندگام به سمت دسترس پذیری مورد نظر کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت برداریم و به بهبود کیفیت زندگی و حضور مؤثر این گروه از شهروندان کمک کنیم.



شناسنامه نشریه
دو هفته نامه داخلی شبکه کمک
نشر: مجازی
تولید کارگروه ارتباطات و رسانه شبکه کمک
کانال تگرامی شبکه کمک
https://t.me/KomakNetwork
اینستاگرام شبکه
@komak_network

پتانسیل وقوع زلزله ۷ ریشتری در تهران وجود دارد

نصیری در گفتگو با ایسنا با بیان اینکه سناریوی تدوین شده، ابعاد مختلف حادثه را در بر می‌گیرد، گفت: مستحضر هستید که شهر تهران به دلیل نوع گسل‌هایی که در این شهر وجود دارد، پتانسیل وقوع زلزله‌هایی با توان لرزه‌خیزی با بزرگای ۷هفت ریشتر را دارد، ولی در این سناریو ما بر اساس فرضیه وقوع زلزله‌ای با قدرت ۵,۲ دهم ریشتر تمرین می‌کنیم.

رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به دلایل انتخاب این سناریو گفت: ابتدا با سناریوهای کوچکتر باید تمرین را شروع کرد و به تدریج سناریوهای شدیدتر را تمرین کرد. زلزله‌های زیر ۵,۵ ریشتر، معمولا تخریب سازه‌ای کمتری دارند و در نتیجه وقوع این زلزله‌ها با مسایل اختلال عملکردی مواجه می‌شویم.

وی خاطرنشان کرد: بر مبنای سناریوی اخیر اختلال جدی در شبکه تلفن همراه و تلفن ثابت، اختلال در شبکه اینترنت، تخریب کارگاه صنعتی فرسوده در محدوده منطقه ۲۱، افزایش حجم مصدومین، ترافیک سنگین در مبادی ورودی و خروجی و همچنین معابر سطح شهر، کمبود بنزین و تراکم حضور خودروها در جایگاه‌های توزیع سوخت، ابعاد مختلف در حوزه‌های ۱۵ گانه فعالیت ستاد مثل آتش نشانی، سلامت، هلال احمر، ارتباطات و فناوری اطلاعات، توزیع فرآورده های نفتی، موضوعات مرتبط با شهرسازی، اسکان اضطراری و دیگر ابعاد تخصصی با حضور همکاران عضو دستگاه های مختلف در سطح کل شهر تمرین شد.



نصیری در ادامه گفت: همچنین در این تمرین با استفاده از توان استادان دانشگاه، ابعاد مختلف تمرین مورد ارزیابی‌های علمی قرار گرفت، چون هدف از این تمرین، برگزاری یک نمایش نیست، بلکه هدف از تمرین زلزله به معنی واقعی کلمه ارتقای آمادگی دستگاه‌های مختلف است.

رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران درباره میزان آمادگی دستگاه‌ها دربرابر زلزله نیز گفت: آمادگی کنونی دستگاه‌های مختلف نسبت به گذشته بیشتر شده و همچنین تلاش می‌کنیم تا به سمت آمادگی مطلوب حرکت کنیم.

وی با اشاره به نقش محوری مردم در مقابله با بحران‌ها ضمن دعوت از شهروندان تهرانی برای عضویت در گروه‌های داوطلب واکنش اضطراری محلات(دوام) از وسایل اولیه امدادی و همچنین تهیه کیف اضطراری به عنوان یکی از ضروریات اولیه برای افزایش آمادگی شهروندان نام برد.